

به نام حضرت دوست

انتظار فرج از نیم خرداد هشتم



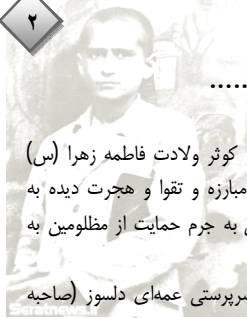
در سوگ جانان

تهیه و تنظیم:

امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تفرش

فرداد 1393

زندگی نامه امام خمینی (ره)



امام خمینی (س) در روز بیستم جمادی الثانی روز کوثر ولادت فاطمه زهرا (س) 1321ق/ 1281ش، در خانواده‌ای از اهل علم و مبارزه و تقوا و هجرت دیده به جهان گشود و در پنج ماهگی، پدرش آقا مصطفی به جرم حمایت از مظلومین به دست اشرار محلی به شهادت رسید.

روح‌الله در آغوش مادری مهربان (بانو هاجر) و سرپرستی عمه‌ای دلسوز (صاحبه خانم) و دایه‌ای پرهیزگار (ننه خاور) پرورش یافت و همزمان آموزشهای اولیه سوارکاری و تفنگداری و تیراندازی را طی کرد.

دوره اول زندگی امام (از 1281-1300 ش)

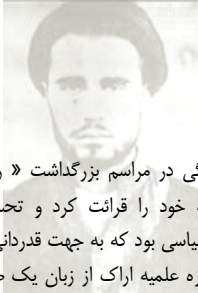
دوران کودکی و نوجوانی روح‌الله همزمان با بحرانهای سیاسی و اجتماعی ایران سپری شد. وی از همان ابتدای زندگی، با درد و رنج مردم و مشکلات جامعه آشنا بود و تأثر خود را با ترسیم خطوطی به صورت نقاشی بروز می‌داد، و همراه خانواده و اطرافیان در سنگر دفاع ساخته و پرداخته و در کوران حوادث و مسائل به مجاهدی تمام عیار تبدیل می‌شد. برخی از حوادث متأثرکننده این دوران مثل بمباران مجلس در نقاشیها و مشقهای خوشنویسی دوران کودکی و نوجوانی او منعکس شده و در دسترس است. از جمله قطعه شعری است در دفترچه یادداشت دوران نوجوانی (9-10 سالگی) با عنوان: «غیرت اسلام کو جنبش ملی کجاست» خطاب به ملت ایران:

هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست مملکت داریوش دستخوش نیکولاست

می‌توان از آن نوشته به عنوان اولین بیانیه سیاسی دوران نوجوانی روح‌الله یاد کرد، و دغدغه ذهنی او را راجع به مسائل مملکتی فهمید. تمایلات روح‌الله نسبت به قهرمانان و مبارزان تا حدی است که در نهضت جنگل، وی با سخنرانی و سرودن شعر در وصف میرزا، اقدام به جمع‌آوری کمکهای مردمی برای حمایت از نهضت جنگل نموده و بالاخره مصمم می‌شود که خود شخصاً به نهضت جنگل بپیوندد. و در فرصتی به جنگل سفر می‌کند و پایگاه میرزا را از نزدیک می‌بیند.

تحصیلات روح‌الله

روح‌الله با بهره‌وری از استعداد فوق‌العاده، رشته‌های مختلف علوم را به سرعت طی کرد. علاوه بر فقه و اصول و فلسفه، عرفان را نیز در عالیترین سطح نزد اساتید برجسته آن زمان در خمین، اراک و قم طی کرد و در مدت 6 سال جهش فوق‌العاده ای داشت حتی اسفار را پشت سر گذاشت و از فضلا و شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد.



اولین خطابه رسمی روح‌الله

روح‌الله ضمن تحصیل در اراک در ایام 19 سالگی در مراسم بزرگداشت «رکن اعظم مشروطه» مجتهد طباطبائی اولین خطابه خود را قرائت کرد و تحسین حاضرین را برانگیخت. این خطابه در واقع بیانیه سیاسی بود که به جهت قدردانی از زحمات و خدمات علمدار مشروطیت از جانب حوزه علمیه اراک از زبان یک طلبه جوان قرائت می‌شد

از قول روح‌الله نقل شده «... پیشنهاد شد منبر بروم، استقبال کردم آن شب کم خوابیدم، نه از ترس مواجه شدن با مردم، بلکه به خود فکر می‌کردم فردا باید روی منبری بنشینم که متعلق به رسول‌الله است. از خدا خواستم مدد کند که از اولین تا آخرین منبری که خواهم رفت، هرگز سخنی نگویم که جمله‌ای از آن را باور نداشته باشم و این خواستن عهدی بود با خدا بستم، اولین منبرم طولانی شد، اما کسی را خسته نکرد ... و عده ای احسنت گفتند، وقتی به دل مراجعه کردم از احسنت گویی‌ها خوشم آمده بود، به همین خاطر دعوت دوم و سوم را رد کردم و چهار سال هرگز به هیچ منبری پا نگذازدم.»

دوره دوم زندگی روح‌الله (از 1300ش-1320)

این دوره از زندگی روح‌الله با هجرت به قم آغاز شده است، با سیاستهای دین‌زدایی رضاخان و تا 1320 ادامه دارد. در این دوره روح‌الله مشغول تحصیل و تدریس و تألیف کتاب و آشنایی با علمای برجسته مبارزی همچون حاج آقا نورالله اصفهانی و مدرس و برخی دیگر می‌باشد. در این دوره اختناق رضاخانی هدف علما حفظ حوزه قم بود. اهمیت آن در آن زمان کمتر از تأسیس حکومت اسلامی در سال 57 نبود.

❖ دوره سوم (از 1320-1340)

این دوره از زندگی امام با چهل سالگی آغاز می‌شود و مصادف است با دو حادثه مهم؛ یعنی بروز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، خروج رضاخان از ایران و آغاز سلطنت محمدرضا. بنا بر اعتقاد امام این زمان فرصت مناسبی برای قیام اصلاحی بود. با همه کوشش‌ها و اقدامات روح‌الله قیام مورد نظر صورت نگرفت. امام در این دوره عالمی است کامل و جامع الشرایط، رهبری است هوشیار با پشتوانه دانش و بیش‌سیاسی با کوله‌باری از تجربه دوران 20 ساله رضاخانی، که شناخت کاملی از اوضاع ایران و جهان دارد لذا با صدور بیانیهای در 11 جمادی‌الثانی 1363 ق/ 1323 ش زمان مناسب قیام را یادآوری می‌کند: «مروزی روزی است که نسیم روحانی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرادست که مشتی هرزه‌گرد و شهوتران بر شما چیره و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند».

❖ دوره چهارم زندگی امام (از 1340-1368)

این دوره همزمان با دو حادثه ناگوار آغاز می‌شود یکی رحلت آیت‌الله بروجردی (10 فروردین 1340) - که ضایعه‌ای برای جهان اسلام و در عین حال رفع موانع برای دشمنان ایران و اسلام بود. دیگری رحلت آیت‌الله کاشانی قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس که روزگاری نامش لرزه بر اندام دشمنان ایران و اسلام می‌انداخت. همزمان با تسلط آمریکا بر امور مملکت، فشار بر رژیم برای اجرای اصلاحات آمریکایی افزایش یافت و در قالب اصلاحات ارضی و لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی با چشم‌اندازی ظاهراً مردم فریب رخ نمود ولی در باطن از اتحاد شومی خبر می‌داد و تسلط آمریکا و اسرائیل و عوامل آنها را بر کلیه شؤون مملکت فراهم می‌کرد. در این زمان امام در برابر اصلاحات آمریکایی به شدت ایستاد و رژیم شاه به تلافی، در دوم فروردین 1342 که مصادف بود با شهادت امام جعفر صادق (ع) به مدرسه فیضیه یورش برد. در این حادثه تعدادی شهید و مجروح شدند. امام در پیامی به مناسبت چهلم فاجعه فیضیه دست به افشاگری زد: «من مصمم هستم که از پای ننشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم.» امام نطق تاریخی خود را در 13 خرداد 1342 در مدرسه فیضیه ایراد کرد و شاه فرمان خاموش کردن فریاد امام را صادر کرد.

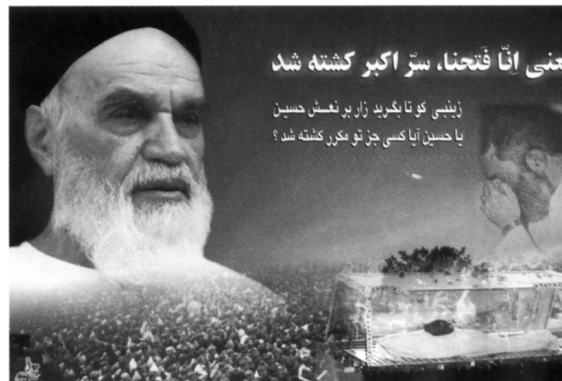
در شامگاه 14 خرداد امام دستگیر و به زندان قصر منتقل شد.

صبح 15 خرداد خبر دستگیری امام به تهران و سایر شهرها رسید و مردم به خیابانها ریخته با شعار «یا مرگ یا خمینی» به سوی کاخ شاه به حرکت درآمدند و قیام با شدت سرکوب شد و به خون نشست.

قیام (15 خرداد 1342) علی‌الظاهر با تبعید رهبر انقلاب به ترکیه و سپس عراق از جوشش و جنبش افتاد.

واقعه مرموز شهادت آقا مصطفی فرزند امام در 56 روح تازه ای به جنبش دمید. چاپ مقاله‌ای توهین‌آمیز به امام و روحانیت در 17 دی ماه 1356 در روزنامه اطلاعات اعتراض شدید جامعه مذهبی را برانگیخت و قیام 19 دی ماه 1356 را به دنبال داشت.

مراسم چهلم شهدای 19 دی قم به صورت پیامی در تبریز و اصفهان و یزد و شیراز و شهرهای دیگر ادامه یافت و به کشتار فاجعه 17 شهریور 57 منجر شد همچنین فرار شاه و ورود امام را به وطن نوید داد. مردم در پی استقبال بی سابقه خود در بهشت زهرا سخنرانی تاریخی امام خود را شنیدند و حکم سرنویشت‌ساز ایشان را در لغو حکومت نظامی در 21 بهمن 57 با جان دل گردن نهادند و در پیشگیری از حملات نیروهای رژیم، با مناطق حساس را سنگربندی و در مدت 24 ساعت مبارزه بی‌امان، طرحهای کودتاچیان را نقش بر آب و هرگونه فرصت را از آنها سلب کردند. و بالاخره پیروزی قیام 15 خرداد در شب 22 بهمن 57 به گوش رسید.



معنی انا قاتلنا، سر اکبر کشته شد

زیبسی کو تا بگریه زار بر نفس حسین
یا حسین آیا کسی جز تو مگر کشته شد؟

و سرانجام، امام بزرگوار ملت ایران در تاریخ 14 فرورد 1368 پس از پندین سال مبارزه و سفتی فراوان، دیده از جهان فروبست تا

روم فدا به فدا ببیند...
روحش شاد و راهش پر رهرو باد

و اما ایران، یکسر عزاخانه‌یی شد که در هر شهر و روستایش، شیون حسرتبار از یکایک خانه‌ها سرریز شد و کوی و میدان را ز پرکرد، هیچ‌کس نتوانست این جرعه‌ی درد را خاموش فرو برد.

واماروی دیگر صحنه، یعنی فضای ملکوت جهان در آن روز، تنها برای اصحاب بصیرت و معرفت مشهود بوده است. شاید چشم‌های نافذی که حجاب ملک را می‌گشایند و مرغ‌نگار اقامت‌ملکوت پرواز می‌دهند، شگفتی‌های بیشتر و صحنه‌های همانایی تری را آن روز در آن عاشوری خمینی دیده باشند؛ عروج نفس مطمئنیه‌ی رابه قرآ که لطف و رحمت خدا، صعود کلمه‌ی طبیه‌ی و نفس راضیه و مرضیه‌ی رابه سوی حق، رجوع جویباری رابه دریا و وصال عاشقی رابه معشوق، استقبال خیل عظیم شهدا را از آن روح مظهر و خیرمقدم ارواح طبیه‌ی او یار رابه آن میهدان تازه وارد...

افسوس که برای ما خاکبان، از آن آینه‌بندان جشن ملکوتی، باز قه‌ی تسلای نمی‌درخشید و جز اشک دیدگان، نمی‌بر آتش حجران آن قلبی دلها افشاند نمی‌شد. شور عزادر غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیدبان همیشه بنابر و طیب درد و درمان‌شناس و سرور و رحمت خدا بر امت و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می‌گذاخت و غمی بی‌تسلا بر آنان فرو می‌ریخت. زمان، یگانه‌ی خود را از دست داد و زمین، گوهری یگانه رادر خود گرفت. بر جمدار بزرگ اسلام، پس از عمری مبارک که در راه اعتلای اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولی‌الله اعظم (ارواحنا فداه) در مصیبت خلبغی خود سوگووار شد.

۱۳۶۸ / ۲ / ۱۰